

در آستانه هفتمین سال

جنگ ایران و عراق

دریشت جبهه‌های نبرد ناعادلانه

این نمردی است بین جانشان
از دوسوی ؟
نمردی ناچهوری استنمار
استوار سمانند
نمردی شاجنایت خودرا
جادا نهستماید
دور دوسوی ؟
اما کارگران خواهند داشت
که بروبرانه‌های این کشتار
پرجم پیروز مندکار
به هتره زدن خواهد مسند
اما برهمنگان خواهند داشت
درین این شناگران خونباران
جامه‌ای گرم از قاتلاب فتح شان
سرش خواهند کرد
اما گرسنگان خواهند داشت
دو فرجا مامن شت و برانی
کاسه‌ای از شیر سبیده دمراهی
نخواهند نوشید
آنکاهه از دوسوی
دهانه‌ای گرسنه
گرسنه ترقی برآدهای عادلانه شان را
نیخواهند کشید
واز دوسوی
کارخانه‌های مفترض
سی تاب تو
توفا ن سرخ را بهای خواهند داشت
کشنازه‌های محروم
ما هشم - بادهای عادلانه
ما خواهند خواست
و آنکاهه
آنکاهه دهان مبلیوشی شوده‌ها
هر این شمرد ما دلاته
نخواهند کشید

بردهای گرسنه می‌کوبند
دریشت دوچهه سپرد
کارخانه‌های بی شاب را طناب پیچ می‌کنند
دریشت دوچهه نیز
زنیمیل‌های خالی را به سکوت می‌خواهند
دریشت دوچهه ترسید
به کشترازهای محروم فرمان می‌زانند
بغض در سینه حبس می‌کنند
دریشت دوچهه ترسید
واینمه بس نیمیت آیا
نا برجهه شوم این شبره
تف کنیم ؟
★ ★ ★
سرداران سرمایه
با بیونیفرم‌های حنایت رژه می‌روند
با بیونیفرم‌های حنایت
که هنوز قطره‌های خون تازه رنجبران
سران
شق بسته است
گردانهای ارتخا
قدرات است می‌کنند
وبسی مهای
از باهگانهای خیانت
به سیرون می‌خوند
گردانهای ارتخا
که هنوز از زدمفوف سرکوسکر شان
بر پیهندن خلقها خون حاری است
و جانشان کهنه کار
اینها
با شناوهای افتخار
بی آنکه از شلیک خشم توده‌ها بهرا سند
سردوشهای توهمند
لهم من دهنده
واینمه بس نیمیت آیا
نا نصره برو آرسم

۳۱ شهریور امسال، جندگ ایران و عراق وارد هفتاد و سال خود میشود بی آنکه کس چشم اندازی نزد یک برای همیان آن بباید. شش سال این آسیاب جهنمی با خون و رنج و تلفات زحمتکشان دوکشور ایران و عراق جرخیده و برای مردم هر دو کشور تباهم ها و فرزیاد تر، فجایع، تحقیق ها و عقب ماندگیهای بیشتر را ببار آبرده است. شش سال کارگران را از کارخانه ها و هفقاتان را از کشتزارها و جوانان را از داشتگاهها و مدارس و انتشار گوئاگون مردم را از خانه و محل کار خود بیدان های جندگ و برانگر کشاند تا رژیمهای ارتیاعی هر دو کشور بر باشانند، تا جیب سرمایه داران جهانی و داخلی بیش از پیش انبیا شته شود، تا خطر انقلاب کارگران و زحمتکشان در این منطقه حساس از کارآفری بیفتند، تا باصطلاح "انقلاب اسلامی" خسینی صادر شود یا برجم "قادسیه صدام" بر فراز عربستان اشغال شده ("خوزستان") با هتزاو د رأید، تا امیریالیستها بر سر تقسیم منافع خود در منطقه استراتژیک خلیج به توافقی جدا دست یابند، تا ۰۰۰۰۰ ویدیهی است که بازندۀ اصلی در این میان نه بروزوازی و ارتیاع بلکه کارگران و زحمتکشان و فرهنگی ورشد اقتصادی و اجتماعی در هر دو کشور هستند. کوهی از نابسامانیها و موائع رشد فرهنگی و اجتماعی، بیماریها و مفاسد و دههای سال عقب ماندگی همچنانه در انتظار مردم هر دو کشور است. اینها همتاند است و غیر مشرط، اما اینکه اینها همه بضد خود تبدیل شوند، اینکه این جندگ بصورت طناب دار علیه هر دو رژیم ارتیاع درآید، و اینکه در نتیجه این جندگ بر آکاهی های توده ها انزوده ترشود و قیام یا حرکت دیگر از آن برآید مشرط به تکوین و تشکیل آلترا ناتیوی از طبقه ای دیگر با ایدئولوژی و چشم اندازی دیگر است این واکنش، این درسگیری و این آنتی تزئینی تواند بدید آید مگر آنکه بر تقد رادیکال از پیش گذشته و بر اندیشه ای نوین متنک باشد تا با سلاحی بر توان و تحرک و سازماندهی نوینی

به نبرد با جنگسازان موجود برخیزد . اگون بینیم چرا جنگ تا این حد توانسته طول پکشید ؟ آنچه که به زیم امکان داده که جنگ را تا این حد طولانی ادامه دهد منجمله عامل زیراست :

۱- ستهای وتهمات مذهبی : درک این مسئله که زیم روی اهداف و شعارهای مثل رسیدن به کربلا و موز "با زهرا" و قرارگاه "خاتم الانبیاء" و "کربلای ۱ و ۲ و ۰۰۰" تکیه می کند برای کسی که اخبار ایران را ازد و هم بشنود آسان است اما آنچه مهم است واید دیدند قدرت افسونگری است که مذهب در طی فرنها در ازهان ساده ملزم بپیزه در روستاهای و اشاره سنت جامعه داشته و هنوز هم بطور نسبی داراست . جمله معروف مارکس که " دین افیون توده هاست " در کثر جائی مثل ایران مصدقای یافته است، دین بعنوان مسکن دردهای درمان نشده و نیز مخدوش ویرانگر و در هر دو حالت خود بنفع سرمایه داران و پیصرر کارگران و زحمتکشان و نیروهای متقدی .

امروز بیش از هر زمان دیگر ضرورت و عیات بودن کارآگاهگرانه کمونیستی برای مبادره اصولی با خرافات و خشکاندن پاتلائقی که در آن کرمها و جانورانی مثل "ولی فقیه" بوجود می آید، آشکار شده است این وظیفه سترگ در ابعاد تبلیغی و ترویجی و تشکیلاتی و در عرصه فلسفی، سیاسی، اقتصادی بعده کمونیستها قرار میگیرد و این امری است که با کمتر بدان توجه شده و یا بنا بر است بیاده شده که خود مغلوب عدم درک کمونیستی است .

۲- عامل سرکوب : زیم از عامل سرکوب شدید نیز برای ادامه جنگ حد اکثر استفاده را میکند . این امر در کار عوامل دیگر موجب شده است که عکس العمل اعتراض و مخالفت علیه جنگ جز در اشکال فرار از سیاری یا ابراز نگرانیها و در دلهمای خصوصی، بشکل دیگری مثلاً اعتصاب گسترده یا امتناعهای دست گمی از رفتنه به جنگ بروز نکند . در موارد مشابه که در کشورهای دیگرخ داده، اعتراضات فردی سابلیک مثل خود سوزی یا شلیک بروی فرماندهان و عملیات تخریبی رخ داده است (مثلاً در ویتنام در اعتراض به حضور امریکائیها و دست نشاندگان آنها) در اینجا منظور مانه توصیه چنین اقدامات فردی بلکه اشاره به اشکال اعتراضی است که گاه به ابتکارات خود توده های بجان آمده میتواند صورت گیرد و ما تا کنون شاهد این حد از اعتراض توده ای نبوده‌ایم . این امر نشان میدهد که

قدرت رژیم در تحقیق و سرکوب وحشیانه تا کنون تا حد زیادی توانسته است خواست توده هارا
در نظر نگیرد دارد .

اما بد ون شک عملکرد این قدرت جهنمی تا دیرزمانی نخواهد پائید . هایه های
رژیم بسیار سمت شده آگاهیهای توده ها در تجربه روزانه بالارته و ملموس بود . مفاسدی
که این رژیم بسیار آورده چشم انداز سقوط این وضع را روشنتر ساخته است . امروز ضرورت
تحریم جندگ و حکم کردن آن بعنوان یک درگیری ارتقایی بین دو رژیم ارتقای ، که
از سوی نیروهای رادیکال چپ (مثل سازمان پیکار) از روزهای اول جندگ مطرح
می شد بیش از پیش بر مردم روشن شده است . امروز نادرست توهمناتی که جهت دفاع از -
میهن یا حمایت از " انقلاب " در برابر " ضد انقلاب مهاجم " طرح می شد ، آشکارتر شد .
امروز دیگر به ازای سال تمام جندگ ، جزان بخش از رژیم که جندگ را مسلط
میگردند گی خود میداند و بد ون آن سرنوشت و ایدئولوژی و نظام اسلامی اش را در معرض خطر
می بیند کسی از ادامه جندگ حمایت نمی کند ، و ثابت شده است که بورزویی مصلح به چماق
و افیون مذهب نیز جز خسارت و ویرانی و غلاکت و مرگ و عقب ماندگی هیچ ارمغانی برای توده های
ستمیده ایران ندارد . باید از این موقعیت استفاده کرده ، کل بورزویی و اهداف بورزویی
را برای کارگران و محنتکشان انشانمود ، باید درشوری و برآتیک ، طبقه کارگر را باری داد که
در تحولات اجتناب ناپذیر آتی نقش واقعی خویش را در براندازی نظام و حاکمیت کرد نظایم
که بست سویالیسم حسر کرده این تمايز .

در حاشیه حقایقی که طی این ۶ سال روشنتر از پیش شده و تغییری که در مواضع نیرو-
های سیاسی ایران در رابطه با جندگ از روزهای نخست تا کنون گردید آمد ، جما-
دار سازمانهایی که موضع نادرست دفاع طلبانه اولیه خود را به موضع ارتقای دانستند
جندگ و تحریم آن تبدیل کردند ، این تغییر موضع خود را با نقد موضع اولیه خود پیش
همراه کنند .

امروز ، ارتقای بودن این جندگ چنان وضع پانجه که دیگر کسی نمی تواند آنرا بینند .
اکثریت قریب با تفاوت سازمانهای سیاسی ایرانی که امروز با تأکید بر نتایج جندگ ، این جندگ
را حکم می کنند ، روزی که این جندگ آغاز شد چنین موضعی و چنین درک و دیدی از آن -

نداشتند و آنرا بنحو دیگری تحلیل میکردند و آنها هم که تردید میکردند سرانجام بـا بوزواری خودی همسوی شدند و این همسوی را بنام دفاع از منافع کارگران پاد غایارضی انقلاب مغلوب به گوش هواداران و توده‌ای که صدایشان را می‌شنید فرو میکردند.

عوامل متعددی در زمان شروع جنگ می‌توانست حقیقت را لـازم نموده‌ها پنهان دارد. سازمانهای سیاسی هم از همان جامعه برخاسته بودند و میتوانستند در خود همـه آن ضعفها و انحرافات وماهیتـهای بوزواری را نمایندگی کنند. اینکه "سازمانهای چپ گیز مثل عقب ماند" ترین تـوده‌هـا، بشیوه‌ای کامل "امیریست" به ماـهیـت جـنـگ پـس بـبرـنـدـ تنـهـ اـنـبـاتـ عـقـبـ مـانـدـگـیـ آـنـهـاـستـ اـمـاـ اـيـنـكـهـ آـنـهـاـ بـهـ نـقـدـ خـودـ نـشـيـنـدـ وـهـ اـنتـقـادـ اـزـ خـودـ نـيـزـ اـزـنـدـ وـهـ تـودـهـاـ رـاـسـتـ نـگـوـيـنـدـ،ـ آـنـاـ رـاـ فـرـسـنـگـهاـ اـزـ مـارـکـسـیـسـ وـمـنـافـعـ تـودـهـهـایـ کـارـگـرـ وـزـحـمـتـکـشـ وـرـنـشـانـ مـیـدـهـدـ.ـ اـيـنـ عـدـمـ بـرـخـورـدـ،ـ مـاهـیـتـ اـبـوـتـونـیـسـتـ آـنـاـ رـاـ بـنـمـایـشـکـارـدـ.ـ مـاـدـرـ اـيـنـ بـرـرسـیـ کـوـتـاهـ بـهـ توـهـمـ بـرـاـکـیـ هـاـ،ـ تـوجـیـهـ کـارـیـ هـاـ وـدـرـ وـاقـعـ خـیـانـتـهـایـ حـزـبـ تـودـهـ وـسـازـمانـ مـجـاهـدـیـنـ کـهـ درـ آـنـرـوزـهـاـ زـیرـ بـرـجـمـ "ـضـدـ اـمـیرـیـسـتـ"ـ اـمـامـ سـینـهـ کـازـنـدـ وـعـنـوانـ دـوـجـرـیـانـ سـیـاسـیـ مـهـمـ جـهـ دـرـ وـاقـعـهـ سـفارـتـ وـجهـ درـ زـمانـ جـنـگـ هـرـجـهـ اـزـ دـسـتـشـانـ بـرـآـمـدـ دـرـ خـدمـتـ بـهـ رـزـیـمـ اـنـجـامـ دـادـنـدـ تـاـ بـهـ اـهـدـافـ بـوـزـوارـیـ خـودـ بـرـایـ مـهـارـکـرـدـنـ انـقلـابـ وـسـوـاـرـشـدـنـ بـرـمـوجـ وـکـسـبـ قـدـرـتـ سـیـاسـیـ بـهـرـ قـیـمـتـ،ـ نـاـئـلـ شـوـنـدـ،ـ کـارـیـ نـدـارـیـمـ،ـ حـسـابـ آـنـهـ جـدـاـ بـودـ وـهـستـ.ـ اـزـ سـازـمانـ اـکـثـرـتـ نـیـزـ کـهـ بـرـایـ شـرـکـتـ درـ جـنـگـ بـهـ تـبـلـیـغـ وـتـرـوـیـجـ بـرـدـاختـ وـدـسـتـجـاتـ اـزـ خـودـ رـاـ بـهـ جـنـگـ فـرـسـتـادـ وـخـودـ بـهـ نـاـسـدـارـانـ رـزـیـمـ وـحـاسـوسـانـ وـنـتـکـجهـ کـرـانـ اوـینـ بـیـوـسـتـ کـارـیـ نـدـارـیـمـ،ـ بـهـ حـزـبـ رـنـجـبـرـانـ نـیـزـ کـهـ روـیـزـوـنـیـسـمـ سـهـ جـهـانـیـ خـودـ رـاـ بـاـ حـمـایـتـ اـزـ کـلـ یـاـ بـخـشـ اـزـرـیـمـ (ـبـاـصـطـلـاحـ بـوـزـوارـیـ مـلـیـ بـرـهـبـرـیـ بـنـیـ صـدرـ)ـ نـشـانـ دـادـ نـیـزـ اـشـارـهـایـ نـیـ نـیـ کـتـیـمـ.ـ سـخـنـ اـزـ کـسـانـیـ اـسـتـ کـهـ تـاـ آـنـ حـدـ سـقطـ نـکـرـدـنـ وـبـدـلـاـیـلـ کـهـ چـهـ بـسـاـ تـغـیـیرـ مـاـهـوـیـ دـرـ تـحـلـیـلـ طـبـقـاتـیـ -ـ اـیـدـیـولـوـجـیـکـ آـنـاـ نـیـ دـهـدـ.ـ وـلـیـ تـاـ هـمـینـ اـنـداـزـهـ هـمـ مـهـمـ اـسـتـ وـبـاـیدـ آـنـرـاـ دـیدـ -ـ خـودـ رـاـ رـجـارـجـوـیـ خـاصـنـگـهـ دـاشـتـنـدـ.ـ بـیـلـانـ مـوـاضـعـ اـیـنـ سـازـمانـهـاـ دـرـ رـابـطـهـ بـاـ جـنـگـ اـیـرـانـ وـعـرـاقـ بـهـ بـودـ؟ـ

— سـازـمانـ چـرـیـکـهـایـ فـدـائـیـ خـلـقـ اـیـرـانـ (ـاـقـلـیـتـ)ـ دـرـ کـارـ ۲۸ـ دـرـ عـینـ حـالـ کـهـ بـدـرـستـیـ

می نویسد: " به اعتقاد ما جنگی که اکنون بین دودولت ایران و عراق در گرفته و ملیونها دلار بطریف خسارت وارد آمده و هزاران نفر از تدوینهای بی سلاح در آن کشته و زخمی شده اند از وسیاری از تأسیسات صنعتی دوکشور در هم کوبیده شده است، خلاف منافع خلقهای رحمتکش هر دوکشور است (ص ۲)

اما وقتی نویسند به اتخاذ تاکتیک در مقابل این جنگ می رسد ناگهان موضعی دفاع - طلبانه می گیرند و می نویسند:

" ما هر جنگ را محکم نمی کنیم . ما در قبال هر گونه تجاوزی و از جمله تجاوزات عراق، به تسلیح تدوینهای تحت رهبری ارکانهای تدوینهای معتقدیم و نه ارتش ضد خلق و رهبری بورژوازی (ص ۴) .

در اینجا این سوال مطرح می شود که اگر جنگ خصلت طبقاتی دارد و ادامه سیاست است پس چگونه است که در اینجا بجای حرکت از موضع طبقاتی، ببیک موضع بورژوازی افتاده و مسئله " تجاوز " و " دفاع " را مطرح می نماید؟ اگر قرار است که مردم ایران علیه " تجاوز " عراق از خود دفاع کنند پس لازم است که تدوینهای عراق نیز در مقابل " تجاوزات " ایران از خود دفاع کنند، که در چنین صورت میتوان گفت جنگ ارتقای دو بورژوازی را توجه کرده و باین ترتیب تدوینهای تشویق می شوند که در رکاب ببورژوازی شمشیر برخند.

در نشریه کار ۲۸ (همان ص ۴) از مبارزه ارکانهای تدوینهای علیه هرگونه تجاوز و سیاست الحق ارضی و از جمله عراق سخن گفته می شود و اینکه بالاخره " با تشکیل هسته های مسلح ، بطور مستقل به دفاع مسلحانه از شهرها و مناطق جنگ زده برخیزید . " (همانجا) بخوبی روشن است که منظور عبارت است از شرکت در این جنگ منتها از زاویه " دفاع طلبی " انقلابی " و یا " حفظ صفت مستقل " .

همین نشریه کار ۲۸ ، شعار " تبدیل جنگ ایران و عراق به جنگ داخلی " را با توجه به شرایط آن زمان ، چیروانه و آثارشیستن ارزیاب میکند در صورتیکه این شعار که بیکار آنرا مطرح کسرد بعنوان یک شعار ترویجی که مطابق با تاکتیک انقلابی در رابطه با جنگهای ارتقای و امنیتی است کاملاً درست بود و هست .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) که موضع خود را در این رابطه بد و ن

نقد تغییر داده، امروز بد ون توجه به موضع گذشته اش در اعلامیه اخیر خود تحت عنوان:
”قبام مسلحانه“: راه حل انقلابی بایان دارن به جذگ ”موجه شهریور ۱۳۶۵“
می نویسد: ”امروز نیز پس از گذشت شش سال از آغاز جنگ ۰۰۰ تأکید من کیم
که تنها راه نجات از شر قفر و ۰۰ جنگ و ویرانی قبام مسلحانه علیه رژیم جمهوری اسلامی
و ۰۰۰ است.“

* * *

و ”راه کارگر“ در ضمیمه شماره ۱۱ خود نوشت:

”در عین حال که رژیم کنونی ایران را خلق نمیدانیم و معتقدیم که در صورتی که بازگشست
رژیم منحوس شاهنشاهی و با امکان دخالت مستقیم امریکالیس (از طریق کوتای نظامی و از
طرق دیگر) طرح باشد همه نیروهای ترقیخواه و انقلابی باستی برای مبارزه با آن درگذار
همین رژیم کنونی فرار کنند و با تمام نیرو از تحقق این فاجعه جلوگیری کنند.“

راه کارگر در صفحه ۴ همان ضمیمه نوشت:

”در مقطع کنونی، سنگر عده مبارزه انقلابی، مبارزه در برابر تجاوز امریکالیس و متعددان
آنست. هر نوع عده کردن مبارزه با ارتیاع کنونی در لحظات کنونی، از رفای ازالات
مبارزه انقلابی است که در عمل به تضعیف موضع (!) مردم (!) ما در برابر امریکالیس
منتظر خواهد شد.“

و ادامه می‌دهد:

”نیروهای انقلابی باستی ابتکار انقلابی توده هارا در جهت دفاع از میهن و استقلال
سیاسی کشور بسیج کنند و سازمان دهند. ولی هرگز نباید در لحظات کنونی افشاگری علیه
رژیم را عمده کنند. (همان ص ۴) در ادامه چنین تحلیل و موضعی بود که راه کارگر
— سازمان کارگران انقلابی ایران — در نشریه ”راه کارگر“ شماره ۵، هم‌داد
با رژیم جمهوری اسلامی، حزب توده و اکثریت که شعار ضرورت افزایش تولید سرمیدارند
نوشت ”افزایش تولید ضروری است“ (ص ۹) و تا آنجا بیش می‌رود که از کارگران می‌خواهد
”۱۲ ساعت کار“ کنند و ”۸ ساعت حقوق“ بگیرند. راه کارگر این بیکاری را تشویق کرده

آنرا " فدایکاری قابل ستایش " میخوانند (همانجا) ۱۰۰۰
اما مسلم است که امروز راه کارگر ، کلمه‌ای درباره آنچه میگفته نمی‌گوید .

* * *

سازمان رژیمند گان آزادی طبقه کارگر ، که بر اساس تحلیل خود از رژیم حاکم (که آنرا ضد خلقی و در عین حال ضد امیرالبیست میدانست) موضعی دفاع طلبانه اتخاذ کرد — (شماره‌های ۳۰ تا ۳۴) ، بخاطر ناهمگوئیهای درونی اش و پیحرانی که همزمان با اتخاذ موضع نسبت به جنگ برایش پیش آمده بود دچار چند دستگی و سرانجام تلاش گردید . بخشی از رهبری واعضای این سازمان که این درک و موضعگیری را فرموله کرد و پرآنسای نشستند سرانجام به موضعی نظیر موضع حزب توده رسیدند و آنانکه این موضع آشکارا روپرینویستی را قبول نداشتند به درکهای دیگر منجذبه درک سازمان پیکار و موضع تاکیکی آن دائر بر ارجاعی بودن دور رژیم و تحريم جنگ ارجاعی و انشاگری اهداف آن ، رسیدند ، بخشی هم موضع دفاع طلبانه ام ک را طوفداری نمودند .

* * *

اتحاد مبارزان کمونیست (ام ک) ، در روزهای بعد از جنگ طی یک بیانیه تحت عنوان " تهاجم رژیم عراق و وظایف ما " موضع اتخاذ کرد که خلاصه آن این است : اولاً " کارگران انقلابی ایران هیچگونه خصوصیت و اختلاف منافعی با کارگران وزعتکشان عراق ندارند .

ثانیاً " کارگران وزعتکشان ایران جنگ حاضر را جنگی میان دو حکومت سرمایه‌داری ارزیابی میکنند که در برآبند خود در خدمت سرکوب و مانع از بسط دامنه انقلاب ایران قراردادارد . ولذا در مقابل جنگ و سرمایه داران از انقلاب و دستاوردهای آن دفاع می‌کنند . (پسونی سوسیالیسم شماره ۲ آبان ۵۹)

ام ک که خواستار شرکت کارگران در جنگ می‌شود از رژیم می‌خواهد که کارگران را مسلح

کند و شعار میدهد که " سرمایه داران هزینه جنگ را خود تان ببریزید " و بهایتان را بر سر خود تان ببریزید " بدین ترتیب ام که به پذیرش ضرورت شرکت در جنگ از موضع " دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن " می‌رسد که چیزی جز دفاع از رژیم جمهوری اسلامی نیست و در ادامه این موضع است که شعار " تحریم جنگ و تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ به جنگ داخلی علیه بورژوازی هر دو کشور " را که بیکار مطرح میکرد آنارکو یا سیفیسم می‌خواند.

* * *

سازمان بیکار موضع نخستین خود را که موضعی دفاع طلبانه بوده و در نشریه بیکار شماره ۲۳ مورخه ۳۱ شهریور ۵۹ (روز شروع جنگ) منتشر شده در رضمیه همان شماره مورد انتقاد از خود و تصحیح قرار میدهد . گزارش این تغییر موضع در بیکار تئوریک شماره ۱ - آبان ۵۹ آمده است . موضع بیکار و تحلیل و عملکرد آن در مقابل جنگ را کلیه نیروهای سیاسی ایران میدانند و ما در اینجا به تکرار آن تحلیل و موضعگیری نمی‌پرسیم .

تنها اشاره‌ای به عکس العمل رژیم ویرخی از گروههای سیاسی نسبت به موضع آن روز بیکار می‌کنیم :

روزنامه اطلاعات مورخه ۲۷ مهر ماه ۵۹ (در حالیکه کمتر از یکماه از شروع جنگ گذشته بود) سر مقاله خود را به حمله کینه توزانه به بیکار اختصاص داد که ما فقط برخی از فحاشی‌های آنرا از نظر خوانندگان میکنیم :

" گروهک وحشی که شاه " کاری دیگر ببار آورده ،

" در جنایت وی شرعی سندگ تمام گذارده ،

" فاحشهای سیاسی مزد وری که امریکا آنهارا بمزایده گذارد است ،

" ماجراجویانی که بنویس مارکسیسم لینینیم لات ! و کانگستری ! ایمان آوردماند ،

" بسادوهای امریکا ،

" خائنان شماره بیکار و ۰۰۰ و ۰۰۰

از عکس العمل گروههای سیاسی، رقبال موضع بیکار نیز به دونمونه اشاره می‌کنم یکی موضع " اتحاد به کونیستها " که بیکار را " ضد انقلابی " خواند و دیگری موضع ام که در بسوی

سوسیالیسم " شماره ۳ آبان ۱۹ پیکار را آقای کمونیست "، آنارکو پا سیفیست، واينکه پیکار برای به تسلیم کشاندن برولتاریا در مقابل پوش بورژوازی " کوشش میکند . واينکه " معنای طبقات این پا سیفیسم نیز چیری نیست جز خدمتگزاری در آستان بورژوازی . " (همانجا صفحه ۱۹)

* * *

هر چند موضع پیکار در رابطه با جنگ در مقایسه با دیگر جریانات چپ از صحت نسبت برخورد اریوده و مطابق با واقعیت مادی فرازداشت اما توان " تغییر جهان " که رسالت کمونیستهاست نیاز به اثکا بر خط مشی وچهان بین کمونیستی دارد که تنها از طریق فائق آمدن بر پیمان جنبش چپ در عرصه ملی وین المللی متصور است .

گام برد اشتن در جهت دستیابی به این تحلیل از بروسه انتقاد و انتقاد از خود که ابتدائی ترین گام در این جهت است من گذرد . تا زمانیکه سازمانهای سیاسی به تو جیه مواضع گذشته و انحرافی خود بپردازند وبا آنطورکه در مواردی دیده شده ، " انتقاد از خود را موجب بین اعتباری یک جریان سیاسی بیش تردها ! " ارزیابی کنند ، جنبش ما قدمی به جلو نخواهد گذارد . نقد ریشه ای وايد و لزیک ردها سال تجربه غنی جنبش در سطح ملی وین المللی : اینست آنچه برای چپ ما حیاتی است . تنها با چنین نقدی میتوان و باید به سوی فرداهای روشن سوسیالیسم نقب زد .

زنده بدار انقلاب !
زنده بدار سوسیالیسم !

دانشجویان ایرانی در فرانسه
هادار سابق سازمان پیکار